



راهکارهای تقویت حجاب و عفاف در جامعه

محمد شریف طاهرپور*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۶/۱۵

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۸/۲۵

چکیده

توصیه به حجاب و عفاف در اسلام و رعایت هنجارهای الهی به منظور پاکسازی جان و روان انسان‌ها و تطهیر آنان از آلودگی، نابسامانی‌های اخلاقی، خانوادگی و اجتماعی، متجلی شدن ارزش‌های عالی انسانی و اخلاقی، بالا بردن بهداشت روانی افراد جامعه و شکوفایی استعدادهای طبیعی انسان و افزایش کارایی اجتماعی و مبرا شدن جامعه از تحریکات جنسی است.

بر این اساس تبیین راهکارهای تقویت حجاب و عفاف در جامعه موضوعی است که به روش توصیفی-تحلیلی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. نتایج این تحقیق عبارتند از: تبیین پیامدهای عدم رعایت عفاف و حجاب، تبیین کارکردهای عفاف و حجاب، تأکید بر غیرت‌ورزی، دعوت و تشویق افراد به ازدواج، کنترل جنسی، تربیت جنسی، تعیین مجازات‌ها برای اعمال منافی عفت، تأکید بر نقش و اهمیت خانواده و نهاد آموزشی. **واژگان کلیدی:** اخلاق جنسی، عفاف، حجاب.

تربیت نمایند، همواره به‌سوی تکامل، ترقی و سلامت روحی و روانی حرکت خواهند کرد و از انحرافات و اختلالات جنسی در امان خواهند بود.

اخلاق جنسی به حکم قوت و قدرت فوق‌العاده‌ای که این قسمت از اخلاق بشری وابسته به آن است، همواره مهمترین وظیفه اخلاقی به‌شمار می‌رفته است. ویل دورانت^۱ در این باره می‌گوید: «سروسامان بخشیدن به روابط جنسی همیشه مهم‌ترین وظیفه اخلاقی به‌شمار می‌رفته است، زیرا گزینه تولید مثل، نه تنها در حین ازدواج، بلکه قبل و بعد از آن نیز مشکلاتی فراهم می‌آورد. در نتیجه شدت و حدت همین گزینه و نافرمان بودن آن نسبت به قانون و انحرافات که از جاده طبیعی پیدا می‌کند، بی‌نظمی و اغتشاش در سازمان‌های اجتماعی تولید می‌گردد» (همان: ۱۴).

با توجه به اهمیت گزینه جنسی، دین اسلام به عنوان حقیقتی متعالی و برتر برای جنبه‌های متعدد وجودی انسان برنامه و هدف خاصی دارد. خداوند به‌عنوان خالق هستی و انسان با شناختی که از انسان دارد، همچنان که در سوره قاف آیه ۱۶ بیان می‌دارد: وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمَا مَا تَوْسُوْسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ: ما انسان را آفریدیم و سوسه‌های نفس او را می‌دانیم، و ما به او از رگ قلبش نزدیک‌تریم! احکام اخلاقی خاصی را برای هدایت صحیح آدمی در زندگی دنیوی و اخروی در شئون متعدد وجودی او، از جمله شأن جنسی لحاظ کرده، که در اخلاق جنسی اسلامی متجلی شده است.

شهید مطهری (۱۳۶۸) در اثر خود، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، به نقد و بررسی اخلاق جنسی حاکم بر دوران قرون وسطا (اخلاق جنسی کهن) و اخلاق جنسی حاکم بر دنیای غرب در دوران معاصر و بیان موضع‌گیری اسلام در برابر آنها می‌پردازد. در مقابل اخلاق جنسی کهن که مبتنی بر پلیدی ذاتی روابط جنسی است، منطق اسلام را که مبتنی بر عدم پلیدی گزینه جنسی و ارضای مشروع آن در چارچوب خانواده است را بیان می‌کند. بعد از این به نقد مبانی اخلاق نوین جنسی غرب می‌پردازد، که به نظر وی عبارتند از:

۱. آزادی در روابط زناشویی: مبتنی بر این عقیده است که آزادی را جز آزادی نمی‌تواند محدود کند. مطهری در نقد

توجه به مسئله عفاف و توصیه به آن، لزوم پرهیز از چشم‌چرانی و یا خودنمایی زن، رعایت حریم‌های بین زن و مرد، مجازات‌های بی‌عفتی و آنچه با عنوان لک‌ه‌دار کردن زنان عقیف و ترغیب به ازدواج در متون دینی از جمله قرآن مطرح می‌شود، نشان‌دهنده اهمیت این مسائل در جامعه اسلامی است؛ به‌منظور بنیان نهادن خانواده سالم و پاک و همچنین اجتماعی کارآمد که محصول بروز توانمندی‌های زنان و مردان در محیطی اخلاقی‌مدار است. متأسفانه یکی از مشکلات دنیای امروز که در اثر گسترش اخلاق جنسی غرب و ظهور اندیشه‌های فمینیستی پدید آمده، کوچک شمردن اصول عفاف، حجاب و تقوای جنسی و حرکت کردن در جهت سهل‌کردن و ناچیز شمردن اهمیت روابط جنسی و جنبه تجاری و تبلیغاتی دادن به آن است که این امر باعث به‌وجود آمدن مسائل و مشکلات متعددی به‌ویژه در حیطه اجتماعی و خانوادگی همچون طلاق، از هم پاشیدگی خانواده‌ها، اداره خانواده به صورت تک‌والدی، گسترش بیماری‌های مقاربتی به ویژه ایدز، افزایش بیماری‌های روحی و روانی، از بین رفتن حرمت و کرامت انسانی زنان، گسترش کودکان نامشروع و جامعه‌ستیز، از بین رفتن ارزش‌های اخلاقی، شکستن حدود الهی، گسترش روابط جنسی پرهزینه برای فرد، خانواده و جامعه، کاهش تمایل به تشکیل خانواده، بحران‌های روحی و روانی شده است. برای اجتناب از گرفتار شدن به چنین پیامدهایی لازم است ارزش‌های اخلاق جنسی همچون عفاف و حجاب، تقوای جنسی و خویش‌داری را در نسل جدید نهادینه کرد.

اخلاق جنسی اسلامی

مسئله اخلاق و به‌تبع آن اخلاق جنسی «که قسمتی از اخلاق به‌معنای عام است. شامل آن عده از عادات و ملکات و روش‌های بشری است که با گزینه جنسی بستگی دارد» (مطهری، ۱۴: ۱۳۶۸). یکی از مباحث اساسی در علوم انسانی و همچنین یکی از مباحث زیربنایی اجتماع است و تکامل و ترقی جوامع بشری به آن ارتباط دارد و اگر انسان‌ها به اخلاق جنسی معقول و منطقی پایبند باشند و خود و دیگران را براساس آن

1. Will Durant

این اصل بیان می‌دارد که علاوه بر آزادی‌ها و حقوق دیگران، ارزش‌های عالی انسانی و اخلاقی و مصالح خود فرد نیز می‌تواند آزادی او را محدود کند.

۲. پرورش همه استعدادهای درونی: مبتنی بر این عقیده است که شکوفایی استعدادهای فطری و طبیعی باعث نشاط و شادکامی و تعادل روحی و روانی فرد می‌شود؛ اما جلوگیری و تحت فشار قرار دادن آنها موجب هزاران ناراحتی و اضطراب و جنایت و انحراف می‌گردد. مطهری در پاسخ به ایرادی که براساس این اصل بر اخلاق جنسی اسلام گرفته‌اند بیان می‌کند که اسلام با رشد طبیعی استعدادهای مخالف نیست؛ بلکه با آشفته‌گی، بی‌نظمی و به اختلال کشاندن استعدادهای طبیعی انسان مخالف است و در پایان به بحث کشتن نفس می‌پردازد و اینکه آنچه تحت این عنوان در متون اسلامی آمده است، به معنای نابود کردن استعدادهای فطری و طبیعی نیست؛ بلکه به معنای میراندن نفس اماره است که نماینده اختلال و به هم‌خوردگی و نوعی طغیان و سرکشی است که این نوع میراندن گاهی با ارضای نفس حاصل می‌شود و گاهی با مخالفت با آن.

۳. عدم محدودیت غریزه جنسی: مبتنی بر این ایده است که در اثر منع و محدودیت، غریزه جنسی شعله‌ورتر می‌گردد و در اثر ارضای و اشباع کاهش می‌یابد و آرام می‌گیرد. بنابراین برای انصراف بشر از توجه دائم به امور جنسی و جلوگیری از عوارض ناشی از آن، راه صحیح این است که هرگونه قید و ممنوعیتی را در این راه از جلوی پایش برداریم. مطهری در مقابل این اصل به بیان این مطلب می‌پردازد که همچنان که محرومیت باعث ایجاد عقده‌های روانی می‌شود، آزادی بیش از اندازه نیز باعث اختلالات روانی و انحرافات جنسی می‌شود. با غرایز و تمایلات خود باید به‌مانند یک حکومت عادل و دموکرات برخورد کرد و در عین حال بیان می‌دارد در جوامعی که آزادی روابط بین زن و مرد محدود است، زمینه برای رشد عشق‌های پاک و در نتیجه خلق آثار هنری، ذوقی و اجتماعی فراهم می‌شود. در پایان به رابطه عشق و عفت می‌پردازد و عفت و وجود تقوا و دور از دسترس بودن زن را عامل پیدایش عشق‌های سوزان و عمیق می‌داند و محیط‌های آزاد را مانع پیدایش چنین عشق‌هایی می‌داند و بیان می‌دارد در این‌گونه محیط‌ها زن به حالت ابتذال در می‌آید و فقط

ابزاری است برای پیدایش هوس‌های آنی و موقتی (همان).
با توجه به آنچه بیان شد اخلاق جنسی اسلامی مبین حدود روابط بین جنس مخالف در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، خانوادگی و سایر روابط رسمی و غیررسمی است. اخلاق جنسی اسلامی دارای مبانی متعددی همچون حسن معاشرت بین زوجین، عدالت، عفت و پاکدامنی، حجاب و است. آنچه در اینجا به عنوان یک مبنای اخلاق جنسی به آن پرداخته می‌شود «عفت و حجاب» است.

عفت

عفت و پاک‌دامنی، حجب و حیا مفاهیمی هستند که در هم تنیده‌اند و مزوج با یکدیگرند و هر دو جزء خصایل پسندیده اخلاقی هستند و ریشه در فطرت انسان دارند، البته در کمیت و کیفیت بروز و ظهور آن عوامل فرهنگی بی‌تأثیر نیست؛ اما آنچه از داستان آفرینش آدم و حوا در قرآن می‌توان استنتاج کرد این است که پوشش عورت به عنوان ابتدایی‌ترین ره‌آورد عفت و پاکدامنی بیانگر این است که انسان گرایشی فطری به این ارزش‌های اخلاقی دارد. همچنان که در سوره اعراف آیه ۲۲ آمده است: ((فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ... و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندامشان (عورتشان) بر آنها آشکار شد و شروع کردند به قرار دادن برگ‌های (درختان) بهشتی بر خود، تا آن را ببوشانند.))
از سوی دیگر عفت و پاکدامنی جایگاه مهمی در نظام ارزشی اسلام و به‌ویژه در اخلاق جنسی دارند و همواره مورد تأکید واقع شده‌اند، تا جایی است که حضرت علی(ع) در حکمت ۴۷۴ نهج‌البلاغه مقام و جایگاه انسان عقیف را با مقام شهید در راه خدا مقایسه می‌کند و بیان می‌دارد: مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمَ أَجْرًا - مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ - لَكَادَ الْغَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ. پاداش مجاهد شهید در راه خدا، بزرگ‌تر از پاداش عقیف پاکدامنی نیست که قدرت بر گناه دارد و آلوده نمی‌گردد، همانا عقیف پاکدامن، فرشته‌ای از فرشته‌هاست (نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۸۴: ۷۴۱). چنین جایگاهی برای عفت ناشی از گستردگی و شمولیت معنایی عفت است که تمام شئون و ابعاد وجودی آدمی را در بر می‌گیرد. به همین دلیل مفهوم عفت از

زیرا ادراک عقلی از نظر کمیت غیرمتناهی و از لحاظ کیفیت به درک موضوع می‌رسد بنابراین بالاتر از ادراک حسی است که از نظر کمیت محدود و از نظر کیفیت تنها به درک ظاهری موضوع اکتفا می‌کند. از سوی دیگر لذت‌های عقلی از رنج و نقص مبرایند؛ اما لذت‌های حسی آمیخته به ناملايمات، رنج‌ها و سختی‌اند و در عین حال زودگذرند و در نهایت اینکه فرورفتن در لذات حسی چشمه‌های گزایشات عالی را در انسان کور می‌کند.

غزالی (۵۰۵-۴۵۰ ه. ق) نیکویی قوت شهوت را در این می‌داند که سرکشی نکند و تابع دستور شرع و عقل باشد و اطاعت از اینها برای وی آسان باشد. افراط و تفریط در مورد غریزه جنسی ناپسند و زشت و اعتدال را پسندیده و نیکو می‌داند و هر که در مسیر اعتدال باشد در آخرت ایمن خواهد بود. در این مورد می‌گوید: «قوت شهوت [غریزه جنسی] چون به افراط بود آن را شره گویند، و از وی شوخی و پلیدی و بی‌مروتی و ناپاکی و حسد، و خواری کشیدن از توانگران و حقیر داشتن درویشان و امثال این خیزد و اگر ناقص بود، از وی سستی و نامردی و بی‌خویشتنی (بی‌شخصیتی) خیزد. چون معتدل بود، آن را عفت گویند و از وی شرم و قناعت و صبر و مسامحت و ظرافت و موافقت خیزد» (غزالی، ج ۲، ۱۳۶۱: ۸). افتادن در مسیر اعتدال با ریاضت و تهذیب نفس امکان‌پذیر است. البته این کاری دشوار است؛ چرا که غریزه جنسی در ذات و طبیعت ریشه دوانیده و امکان ندارد انسان با اختیار آن را از بین ببرد و دیگر آنکه به علت اطاعت از آن، نیروی آن بر آدمی مستولی شده است.

غزالی بر نگاه داشتن چشم در رابطه با غریزه جنسی تأکید می‌کند. در این باره از زبان پیامبر اکرم (ص) بیان می‌کند: «که نگریستن به زنان تیری است زهرآلود از تیرهای ابلیس، هر که از بیم حق تعالی چشم نگه دارد، وی را ایمانی دهد که حلاوت آن اندر دل خود بیابد» (همان منبع: ۵۶). هر کس نتواند چشم خویش را نگه دارد باید که شهوت را ریاضت دهد و یکی از راه‌های ریاضت روزه داشتن است و اگر نتواند ازدواج کند.

غزالی همچنین در باب نگه داشتن چشم از زبان پیامبر بیان می‌کند: «هر که عاشق شود و خویشتن نگاه دارد و پنهان دارد و از آن رنج بمیرد، شهید بود و خویشتن نگاه داشتن آن بود که اول نظر تری [نظرت، نگاهت] به اتفاق افتاده باشد و دوم، چشم

جنبه‌های متعددی مورد کاوش معنایی و مفهومی واقع می‌شود. از نظر واژه‌شناسی، واژه عفت از ریشه عف به معنای خودداری از آنچه حلال نیست و خودداری از سخن یا عمل ناپسند گرفته شده است. کاربردهای گوناگون از این ریشه در شئون مختلف انسان همگی همین معنا را در بردارد. عفاف و تعفف یعنی: خودداری نفس از محرّمات و تقاضا داشتن از مردم است «راغب اصفهانی» در این باره می‌گوید: «عفت، حصول حالتی برای نفس است که در سایه آن غلبه شهوت نیست و یا آن حالت مانع غلبه شهوت است» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۳۳۹). ابی‌الحدید (۵۸۶-۶۵۵ ه. ق) در تعریف حیا از بعضی حکما نقل کرده است که «حیا عبارت است از: گرفتگی نفس از زشتی‌ها و این از خصایص انسان است و در بچه‌ها اولین چیزی که از قوه فهم آنها آشکار می‌شود حیاست و خدا آن را در انسان قرار داده تا کناره‌گیری کند از زشتی‌هایی که نفس انسان را به سوی آن می‌کشاند و مانند حیوان نشود و حیا مرکب از ترس و عفت است از این رو نه با حیا فاسق است و نه فاسق با حیا؛ زیرا عفت و فسق با هم جمع نمی‌شوند؛ اما خجالت چیزی است که به خاطر افراط در حیا به انسان می‌رسد (ابی‌الحدید، ۱۳۸۷ ه. ق، ج ۴۵: ۱۹).

متفکران اسلامی براساس اهمیتی که مبحث عفاف دارد به بیان نظرات خود در این زمینه پرداخته‌اند. در این رابطه ابن‌سینا (۴۲۸-۳۷۰ ه. ق) معیار فضیلت و رذیلت اخلاقی را حد وسط یا اعتدال دانسته و فضایل اخلاقی را چهار نوع می‌داند که عبارتند از: عفت، حکمت، شجاعت و عدالت. عفت متعلق به غریزه جنسی؛ حکمت مربوط به قوه نظری و عملی؛ شجاعت مربوط به قوه غضبیه و عدالت جامع سه فضیلت قبلی است، به عبارت دیگر اعتدال در سه قوه غضبیه، شهویه و تدبیریه. و بقیه فضایل از این فضایل چهارگانه ناشی می‌شود.

ابن‌سینا در حیطه اخلاق جنسی بر عفت به عنوان فضیلت غریزه جنسی تأکید می‌کند. عفت در نظر وی عبارت است از: «دوری از تبعیت شهوات، محسوسات، همچون غذا، نوشیدنی، لذت جنسی و همچنین به کنترل در آوردن آن و تصرف در قوه شهویه براساس فکر و عقل صحیح» (اعرافی، ۱۳۷۷، ص ۲۷۰). ابن‌سینا لذات باطنی را برتر از لذات حسی همچون لذت غریزه جنسی می‌داند و بالاترین لذت‌های باطنی را لذت عقلی می‌داند.

نگاه دارد و ننگرد و طلب نکند و آن عشق اندر دل پنهان همی دارد» (همان: ۶۱).

غزالی با کشتن نفس و ریشه‌کنی غرایز مخالف است و همچنان که گذشت طبیعت و غرایز شایسته او را محترم می‌شمارد و پاسخ به نیازهای طبیعی را در چارچوب شرع واجب می‌داند؛ اما از زیاده‌خواهی نفس اماره که هر آن امکان دارد بر عقل انسان چیره شود، وی را از راه تعادل و شرع خارج گرداند مخالف است. زیرا «فلسفه او به هیچ روی میان خدامحوری و نفس‌کشی و گریز از نعمت‌های الهی تلازمی نیست. او اصولاً به ریشه‌کنی شهوات باور ندارد، زیرا هیچ چیز در آدمی به گزاف نیامده است و از سویی شرع سمیع است و چون حاجتی با ضرورتی رخ دهد، رخصت می‌دهد. آنچه شرع و شارع نمی‌خواهد تجاوز از رخصت‌های شرعی است که به مفهوم دیگر، پیروی از خواسته‌های نفسانی و فرجام غیرخدا را به جای خداوند گرفتن است» (رفیعی، ۱۳۸۱، ۱۳۶-۱۳۵).

ملااحمد نراقی (۱۲۴۵-۱۱۸۵ ه.ق) قوای نفس را عبارت از: عقل، شهوت، غضب و وهم می‌داند. این چهار قوه حکم کارفرمایان مملکت وجود را دارند. عقل وزیر پادشاه مملکت وجود که روح باشد، است و تلاش می‌کند روح تابع وی باشد و به خواهش، وجود انسان را اداره کند و به دریافت حقایق امور بپردازد. غریزه جنسی که هدف آن ازدواج و بقای نسل است. این قوه سعی در مخالفت با عقل کرده و تلاش می‌کند روح را محکوم اراده خود نماید. قوه غضبیه سعی در دفع مضرت‌های خارجی می‌نماید و در حالت افراط، کشتن، عداوت، بغض و کینه تسلط از ویژگی‌های این قوه است. نهایت آن تبدیل شدن به گرگ یا سگی درنده. وی نیز تلاش می‌کند که عقل را اطاعت ننماید. قوه وهمیه، کار وی فهمیدن امور جزئی، فریب، خیانت و فتنه است، این قوه نیز تلاش می‌کند که عقل را اطاعت ننماید. بنابراین همواره بین چهار قوه در وجود آدمی نزاع و جنگ است و اگر عقل غالب شود و فضیلت‌های اخلاقی و انسانی، عبادت پروردگار و اطاعت از رسول در وجود آدمی ظاهر می‌شود و اگر خلاف این صورت گیرد وجود آدمی دچار اختلال و فساد می‌شود. منشأ نزاع در وجود آدمی عقل است که مانع تسلط سایر قوا می‌شود و سه قوه دیگر با یکدیگر نزاعی ندارند و مانع عمل همدیگر نمی‌شوند. بنابراین، این قوای چهارگانه سرمنشأ همه نیکی‌ها و بدی‌ها هستند.

بنابراین می‌توان گفت در اخلاق به‌طور عام و در حیطة اخلاق جنسی به‌طور خاص نراقی تأکید دارد که این شأن از شئون انسان همچون سایر جنبه‌های وجودی انسان تحت کنترل قوه عاقله باشد. در آن صورت هر یک از قوا مهذب و پاکیزه خواهند شد و فضیلت مخصوص هر یک به‌دست خواهد آمد. فضیلت قوه عاقله، حکمت؛ قوه وهمیه (عامله)، عدالت؛ غریزه جنسی، عفت؛ و غضبیه، شجاعت است و سر همه اخلاق حسنه را این چهار فضیلت می‌داند؛ اما عفت به عنوان فضیلت قوه شهویه عبارت است از: «مطیع بودن قوه شهویه از برای قوه عاقله و سرکشی نکردن از امر و نهی عاقله تا آنکه صاحب آن از جمله آزادگان گردد و از بندگی هوا و هوس خلاصی یابد» (نراقی، ۱۳۸۴: ۳۲-۳۱). این همان حد وسط قوه شهویه و افراط و تفریط از آن ردیلت به حساب می‌آید. «شهره» از مصادیق افراط در قوه شهویه است و عبارت است از: «غرق شدن در لذات جسمیه، بدون ملاحظه حسن آن در شریعت مقدسه یا به حکم عقل». از مصادیق تفریط خمود است که عبارت است از: «میراندن قوه شهویه، به قدری که ترک کند آنچه را که از برای حفظ بدن یا بقاء و نسل ضروری است» (همان: ۳۶). البته باید گفت که اگر شخصی در اثر اضطرار و اجبار، یا به سبب بی‌آلتی، بی‌قوتی و ضعف غریزه جنسی، یا از ترس آبرو و مطلع شدن مردم و ترس از ملامت آنها یا گرفتار شدن به بعضی امراضی ترک لذت کند، عقیف نیست؛ بلکه عقیف کسی است که «با وجود صحت قوی و قوت آنها و دانستن کیفیات لذات و مهیا بودن اسباب و آلات و عدم تشویش از آفات و مرض، بی‌آنکه مانعی از خارج بوده باشد، در استیفای لذات دنیویه پا از جاده اطاعت شرع و عقل بیرون نگذارد» (همان: ۳۸).

بنابراین شرط عفت آن است که انسان توانایی بر انجام فعل حرام در حیطة غریزه جنسی را داشته باشد؛ اما با اختیار و انتخاب خود از آن دوری کند. برای موفق شدن در تزکیه غرایز جنسی و از دست ندادن گوهر عفت علاوه بر تبعیت از عقل و شرع باید چشم، گوش، دل و تخیل را از آنچه غریزه جنسی را به هیجان می‌آورد، محافظت کند.

به‌طور کلی می‌توان گفت عفت و پاکدامنی، حجب و حیا، به‌معنای خودکنترلی، نظارت بر خویشستن، پرهیزکاری، احساس

زوجین وارد شود رضایت زناشویی در اثر عدم گفتمان جنسی بین زوجین و بازخورد جنسی مناسب کاهش خواهد یافت و نتیجه آن ایجاد خشونت خانوادگی، انحرافات و اختلالات جنسی خواهد بود.

حجاب

حجاب به معنای پوشش است چیزی که بین بیننده و آنچه می بیند حائل می شود، حجاب امر ظاهری و بیرونی است؛ یعنی در حقیقت پوشش ظاهری افراد به ویژه زنان را حجاب گویند. بنابراین می توان گفت حجاب به نوعی عفت در پوشش است؛ به معنای خودداری از تبرج، خودآرایی و خودنمایی است. البته عفاف همچنان که گذشت معنایی وسیع تر از حجاب دارد و اکثر شئون انسانی را در بر می گیرد، در عین حال همچون حجاب مختص بین محرم و نامحرم نیست، در تمام روابط فردی و اجتماعی عفاف حاکم است به استثنای روابط زناشویی. می توان گفت یکی از چیزهایی که انسان را به سوی حجاب می کشاند وجود عفاف به عنوان یک ارزش درونی و بنیادی است؛ به عبارت دیگر حجاب از آثار و تجلیات نورانیت وجودی عفاف در وجود آدمی است که با رعایت ارزش های الهی پاس داشته شده است. خداوند در چند آیه قرآن کریم موضوع لباس و پوشش را مطرح کرده و اهمیت و کارکردهای آن را بیان می کند.

قرآن کریم گاهی هدف از لباس را پوشاندن اعضا، ستر عورت و حفظ بدن و گاه آن را وسیله زینت و گاه وسیله تکریم شخصیت زن و عامل باز دارنده از مزاحمت های خیابانی و همچنین انواع مزاحمت های مختلف در محیط های دیگر معرفی می کند. در سوره اعراف آیه ۲۶ بیان می دارد: يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه زینت شماست؛ اما لباس پرهیزگاری بهتر است! اینها (همه) از آیات خداست، تا متذکر (نعمت های او) شوند! «جمله (یواری سواتکم)) وصف لباس است و دلالت دارد بر اینکه لباس پوشش واجب و لازمی است که کسی از آن بی نیاز نیست و آن پوشش عضوی است که برهنه بودنش، زشت و مایه رسوایی آدمی است» (طباطبایی،

حضور در محضر خداوند و جلوگیری از طغیان نفس در ارتکاب به معاصی، در شئون مختلف وجودی انسان به ویژه در حیطة جنسی است. فردی که به چنین ارزش هایی پایبند باشد و آنها را در خود به صورت معقول و منطقی نهادینه کرده باشد از انحرافات اخلاقی به ویژه انحرافات جنسی در امان خواهد بود و به تبع آن از کمالات اخلاقی برخوردار خواهد شد. بنابراین عقیف کسی است که در برابر خواسته های نفسانی و از جمله کشش های جنسی مقاومت کرده و خود را حفظ کند و دامن به زشتی آلوده نسازد.

از سوی دیگر عفت و پاکدامنی، حجب و حیا به عنوان ویژگی اخلاقی پسندیده عاملی است که روابط بین جنس مخالف را در اجتماع، خانواده و به طور کلی بین افراد محرم و نامحرم در عرصه های مختلف، را از حالت ایجاد جذبه جنسی، کشش جنسی و برانگیختن تمایلات جنسی مبرا می کند؛ و این تمایلات جنسی را به درون خانواده و رابطه مستور بین زوجین می کشاند. جایی که عفت و حیا باید برداشته شود، زمان آمیزش مشروع بین دو جنس است، همچنانکه در این رابطه پیامبر (ص) می فرماید: خیرالنساء التي اذا دخلت مع زوجها فخلعت الدرع خلعت معه الحياء و اذا لبست الدرع لبست مع الحياء بهترین زنان زنی است که هنگام تنها شدن با همسرش، همان طوری که لباسش را درمی آورد حیا و شرم را از همسرش کنار گذارد (الحر العاملی، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۱۶: ۱۴-۱۵)؛ و در این موقعیت است که برای ایجاد کشش جنسی در زوجین بر زیبایی، زیندگی و آراستگی ظاهری آنها نسبت به یکدیگر تأکید شده است؛ و از زنان خواسته می شود که با آراستن چهره، پوشیدن لباس های مهیج و زیباسازی بستر خواب و استعمال عطر برای اطفای شهوت و لذت بری هر چه بیشتر شوهر آرامش و آسایش را به زندگی مشترک عطا نماید. در این رابطه امام رضا (ع) یکی از عوامل انحراف جنسی زنان را ژولیدگی و عدم آماده سازی مرد برای زنش می داند، و در این زمینه بیان می دارد: ان التهیه مما یرید فی عفه النساء همانا زینت کردن مرد و خود را نظیف و آماده ساختن نقش مؤثری در پاکی و عفت زن دارد (همان ۱۴: ۱۶۴). بنابراین آراستگی ظاهری هر یک از همسران تمایل طرف مقابل به نامحرمان را از بین می برد و کانون گرم خانواده را رونقی دیگر می بخشد.

در صورتی که عفت و حیا بیرونی به رابطه جنسی بین

مرد هرگز با خودآرایی نمی‌تواند نظر زن را به خود جلب کند. زن و زیور، زن و آرایش دو موجود توأم با یکدیگرند. زن موجودی است ظریف و لطیف. البته در هر جنسی جنس ماده همیشه ظریف‌تر و مظهر جمال و زیبایی و آرایش است و وقتی می‌خواهند فتنه ایجاد نشود به آنکه مظهر جمال است باید بگویند خود را نشان ندهد نه به آنکه مظهر خشونت و قدرت است، و به آنکه جلب نظر می‌کند، نه آنکه جلب نظری ندارد، می‌گویند اسباب غوایت و گمراهی فراهم نکند (مطهری، ۱۳۶۹).

بنابراین زن هر قدر حدود و حریم الهی را نگهدارد بر ارزش و احترام او افزوده خواهد شد و هر چقدر دست و دلبازی به خرج دهد و خود را آسان‌تر و سهل‌الوصول‌تر و خارج از حدود و ارزش‌های الهی در اختیار دیگران قرار دهد از ارزش او کاسته خواهد شد و مورد بی‌مهری‌ها، خشونت‌ها و آزار و اذیت‌های بی‌شماری واقع خواهد شد و از مقام انسانی خود تنزل پیدا خواهد کرد به کالای بی‌ارزش مبدل می‌شود.

در این رابطه شهید مطهری معتقد است: اسلام نمی‌خواهد از طریق حجاب زن را در خانه محبوس کند جلوی بروز استعداد‌های وی را بگیرد و او را از فعالیت‌های اجتماعی محروم کند؛ بلکه می‌خواهد حرمت و کرامت زن در عرصه اجتماع حفظ شود و استعداد‌های خدادادی او در فعالیت‌های جنسی صرف نشود. بنابر این حجاب در اسلام از یک مسئله کلی‌تر و اساسی‌تر ریشه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع لذات جنسی به محیط خانوادگی و به همسر مشروع اختصاص یابد و محیط اجتماع خالص برای کار و فعالیت باشد، به همین دلیل به زن اجازه نمی‌دهد که وقتی از خانه بیرون می‌رود موجبات تحریک مردان را فراهم کند و به مرد هم اجازه نمی‌دهد که چشم‌چرانی کند، چنین حجابی نه تنها نیروی کار زن را فلج نمی‌کند و او را از فعالیت‌های اجتماعی محروم نمی‌کند، بلکه موجب تقویت کار اجتماع نیز می‌باشد (مطهری، ۱۳۵۳).

راهکارهای تقویت عفاف و حجاب

با توجه به خطراتی که عدم رعایت هنجارهای اخلاق جنسی در پی دارد بر والدین، مربیان و مسئولین است که این خطرات را جدی بگیرند و برای نجات جوانان از ارتکاب به مفاصل اخلاقی

ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۶۳، ج ۸: ۶۹). «کلمه ((ریش)) در اصل واژه عربی به معنای پرهای پرنندگان است و چون پرهای پرنندگان غالباً به رنگ‌های مختلف و زیباست، یک نوع مفهوم زینت در معنای کلمه ریش نهفته است» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۶، ج ۶: ۱۳۱). بنابراین مراد از لباس در این آیه تنها پوشانیدن تن و مستور ساختن زشتی‌های آن نیست؛ بلکه لباس از بعد زیبایی‌شناسی، تناسب، کیفیت و همچنین وقار و متانتی که پوشش به نمایش می‌گذارد نیز مورد توجه است، به عبارت دیگر هم زیبایی ظاهری و هم زیبایی درونی و باطنی مورد توجه قرار می‌دهد. در سوره احزاب آیه ۵۹ آمده است: ((يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا)) ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: جلباب‌ها (= روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است.))

بنابراین توأم شدن وقار و متانت ظاهری با وقار و متانت درونی، عاملی بازدارنده از مزاحمت‌های مختلفی است که توسط افراد بیمار دل برای زنان در محیط‌های مختلف ممکن است، اتفاق بیفتد.

اما چرا زنان به رعایت حجاب یا ستر و پوشش دعوت شده‌اند؟ علت پوشش زن این است که زن و مرد نسبت به یکدیگر احساسات مشابه ندارند و از نظر وضع خلقت هم وضع غیرمتشابهی دارند، یعنی این زن است که مورد تهاجم چشم، اعضا، جوارح، دست و همه بدن مرد است نه مرد مورد تهاجم زن. به‌طور کلی جنس مذکر و مؤنث در عالم این طورند، اختصاص به زن و مرد انسان ندارد. جنس نر در خلقت، «گیرنده» خلق شده است. و جنس مؤنث به عنوان موجودی که مورد تهاجم جنس مذکر قرار می‌گیرد و به همین دلیل است که در انسان هم جنس مذکر است که باید برود و دختر را خواستگاری کند و این حالت امری بسیار عادی، طبیعی و فطری است.

بنابراین وضع زن با مرد در اصل خلقت متفاوت است و به همین دلیل این زن است که خودآرایی می‌کند برای جلب مرد؛

از خطرات اجتماعی، فساد اخلاقی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. به وجود آمدن فرزندان نامشروع، فرزندی که فاقد هویت، کرامت و نسباند و این ظلم بزرگی در حق آنهاست، ۲. محروم شدن فرزندان از رحم و محبت و عاطفه والدین، ۳. زمانی که کودکان بزرگ شدند و فهمیدند که فرزندان زنا هستند، احساس ننگ و عار می‌کنند و نمی‌توانند درون خود را متقاعد کنند و به راه‌های انحراف منحرف می‌شوند و مرتکب جرم‌های فردی و اجتماعی بر ضد امنیت و استقرار جامعه می‌شوند، ۴. از بین رفتن سعادت و خوشبختی و زندگی همراه با کرامت برای زنان و مردان به علت عدم رواج ازدواج مبتنی بر رحمت و مودت، ۵. طرد و انزوای کودکان نامشروع از سوی جامعه و حتی صالحان، که این باعث به‌وجود آمدن روح سرکشی و تمرد و ایجاد عقده‌های روانی و به‌وجود آمدن کینه‌های دشمنی و خشم بین آنها و جامعه می‌شود.

ب) خطر اقتصادی: آنچه در آن اختلافی وجود ندارد این است کسانی که در خارج از چارچوب ازدواج مشروع به ارضای نیازهای جنسی‌شان می‌پردازند و به سوی شهوت، لذت‌رانی و گناه سوق پیدا می‌کنند باعث قربانی شدن اقتصاد جامعه به علت از بین رفتن نیروی کار؛ ضعف نیروهای جسمی از طریق مبتلا شدن به امراض روحی، روانی، عقلی و جسمی و از بین رفتن شادابی می‌شوند؛ در عین حال عدم توانایی کمک به این افراد به علت فقدان اطلاعات درست در مورد آنها بر این مشکلات دامن خواهد زد.

دلایل مشکلات اقتصادی به علت فساد اخلاقی عبارتند از: ۱. کم شدن تولیدات اقتصادی به دلیل اینکه ثروت افراد در راه شهوت، لذت‌ها و مسائل پنهانی به مصرف می‌رسد نه در راه تولید و مصلحت اقتصادی بنابراین از این فساد اخلاقی اقتصاد ضربه می‌خورد، ۲. به‌وجود آمدن شغل‌های نامشروع، کاذب و کسب درآمد از طریق قمار، ربا، رشوه، اختلاس، رواج پورنوگرافی، دایر شدن مراکز رقص، نشر مجله‌های سکسی، فروش لباس‌های مستهجن و... اینها باعث می‌شود جامعه به سمت فقر، ضرر و شکست کشیده شود و شغل‌های مشروع تعطیل شود.

ج) خطرات دینی: خطرات دینی ناشی از عدم پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و عفت نورزیدن است، که در این رابطه

اقدام کنند، زیرا پیامدهای ناگواری را به دنبال دارد، همچون ضرر به اخلاق، عقل، دین و اجتماع است. راه‌گریز از این زبان‌ها روی آوردن به عفت؛ ازدواج مشروع؛ آگاه کردن جوانان از مفاسد بی‌بند و باری و تربیت شرافتمندانه آنان از دوران کودکی است. با توجه به این امر در اینجا به بیان راه‌های کسب عفاف و حجاب می‌پردازیم، به شرح زیر عبارتند از:

۱. بسبب پیامدهای عدم رعایت عفاف و حجاب عدم رعایت هنجارهای اخلاق اسلامی به‌ویژه در حیطة جنسی، همچون ارضا غریزه جنسی در چارچوب احکام شرعی، تهذیب نفس، خویشتن‌داری، عفت و پاکدامنی، حجب و حیا و... باعث به‌وجود آمدن مفاسدی در دو بعد عمومی و فردی خواهد شد، که به بیان آن می‌پردازیم:

در این زمینه ناصح علوان (۱۴۱۴-ق) در کتاب مسئولیت تربیت جنسی از دیدگاه اسلام، بیان می‌دارد مفاسدی که در جوامع غربی و شرقی بر اثر آزادی جنسی به‌وجود آمده است، در اثر گسترش روابط فرهنگی و اجتماعی در سایه جهانی شدن و گسترش وسایل ارتباطی به جوامع اسلامی نیز سرایت کرده است. مواردی از قبیل گسترش فاحشگی، ابزار قمار، مواد مخدر، بی‌حجابی، مسائل رقص و رقاصی و... در حالی در جوامع اسلامی به وقوع پیوسته که مسئولین از آن آگاه‌اند و کاری از آنها ساخته نیست و قبح این امور نیز نزد مردم و جوانان از بین رفته است و عمل به این امور زشت و تعدی از حدود الهی در تمام کشورها بدون داشتن قبح و ترس فراگیر شده است. فراگیر شدن این امور باعث به‌وجود آمدن خطراتی شده است که به آن اشاره می‌کنیم:

الف) خطرات اجتماعی: یکی از مشکلاتی که باعث فرورفتن مسلمانان در زشتی‌ها و مفاسد اخلاقی و در نتیجه ضرر رساندن به مصلحت فردی و اجتماعی آنان می‌شود، این است که جوانان به صورت حیوانی و با ارتکاب عمل حرام به ارضا غریزه جنسی‌شان بپردازند. در این شرایط نمی‌توان برای نجات جوانان از چنین‌های فاحشی‌ها، در اسرع وقت فکری نکرد، والدین و مسئولین نیز راضی نمی‌شوند که فرزندانشان چنین ضربه‌های جسمی و روحی را متحمل شوند.

را بهتر از اصولی می‌داند که خداوند برای بندگانش گذاشته است. به‌طور کلی افکار خود را مرجع و معیار تصمیم‌گیری‌هایش قرار می‌دهد و در خود نیازی به شرایع آسمانی احساس نمی‌کند، (ج تقلید از تفکرات غربی، احساس حقارت در برابر آنان و عمل در حیطة جنسی و سایر ابعاد وجودی بر اساس فرهنگ غرب،

د) شخص سرکش علیه قوانین اسلام در زمینه جنسی یا دیگر زمینه‌ها همیشه در بحران و درگیری و چالش است، چالش‌هایی همچون تخیلات جنسی، افزایش تحریکات جنسی و انجام روابط جنسی نامشروع، که اسلام آنها را حرام اعلام کرده است (مدن، ۱۴۱۶ هـ-ق: ۲۲۲-۲۲۰).

۲. تبیین کارکردهای عفاف و حجاب

یکی از راه‌های نهادینه کردن عفاف و حجاب در جامعه تبیین کارکردهای مثبتی است که رعایت ارزش‌های اخلاق جنسی را به دنبال دارد، که در این رابطه به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱-۲. بالابردن ارزش زن: عفاف، ستر و پوشش تدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گرانبها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به‌کار برده است، زن باهوش فطری و یک حس مخصوص به خود دارد. با توجه به ضعف جسمی و حتی اقتصادی نمی‌تواند بر مرد مسلط شود. بنابراین از نیازمندی مرد که همان مظهر طلب بودن است و ویژگی خود که مظهر معشوقیت و مطلوبیت بودن است استفاده کرده؛ و این کار را از طریق رعایت حجاب و رفتار از روی متانت و حجب و حیا انجام داده است، بنابراین حریم نگهداشتن زن میان خود و مرد یکی از مسائلی است که زن برای حفظ مقام و موقع خود در برابر مرد استفاده کرده است و در این رابطه زن هر اندازه متین‌تر و با وقارتر و عقیف‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد بر احترامش افزوده می‌شود.

۲-۲. بالا بردن بهداشت روانی افراد و جامعه: محدود شدن روابط جنسی به کانون خانواده محیط اجتماع را از تحریکات جنسی و در نتیجه بلوغ زودرس و سایر مشکلات همچون آزار جنسی و پدید آمدن کودکان نامشروع که مورد قبول و پذیرش جامعه نیستند و در نتیجه به‌وجود آمدن مشکلات روحی و روانی برای آنان جلوگیری کرده و بدین‌وسیله سلامت روحی - روانی

می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. رواج زنا و مبتلا شدن به آثار آن: در این رابطه طبرانی از پیامبر(ص) روایت می‌کند: که وای بر شما از زنا که برای آن چهار خصلت وجود دارد، از بین رفتن ارزش‌ها، رزق و روزی، باقی نماندن رحم بین افراد و ورود به جهنم، ۲. از بین رفتن عاطفه دینی، همچنان که پیامبر(ص) می‌فرماید: بی‌شک کسی که زنا می‌کند مؤمن نیست. در نهایت می‌توان گفت فسادهای اخلاقی استواری و زیبایی اخلاق را از بین می‌برند (ناصر علوان، ۱۴۱۴هـ-ق: ۸۱-۷۶).

د) خطرات فرهنگی: آثار مفاسد اخلاقی در یک جامعه در فرهنگ آن جامعه به صورت تهاجم فرهنگی تجلی پیدا می‌کند، تهاجم فرهنگی به این معناست که «یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود و اسارت یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد، و در این هجوم باورهای تازه‌ای را به زور و به قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشوری می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۷۳: ۳). بنابراین تهاجم فرهنگی در حیطة اخلاق جنسی به این نحو خواهد بود که کشورهای استعمارگر اخلاق جنسی خود و اصول و معیارهای آن را که مبتنی بر روابط آزاد بین دو جنس است را از طریق هنر و به‌ویژه در قالب فیلم در میان کشورهای اسلامی منتشر می‌کنند. نتیجه این خواهد بود که اخلاق جنسی غربی جایگزین اخلاق جنسی اسلامی خواهد شد و باعث گسترش فساد و بی‌بند و باری جنسی، اشتغالات ذهنی جنسی، گسترش بیماری‌های روحی و روانی، بی‌هویتی و تعارضات هویتی و تضعیف خانواده و بنیان آن و... خواهد شد.

بعد فردی

خطراتی که عدم رعایت هنجارهای اخلاق جنسی در بعد فردی ایجاد می‌کنند عبارتند از:

الف) فرد مسلمان در صورت عدم رعایت معیارهای اخلاق جنسی دچار تعارض، تناقض و دوگانگی در وجود خود می‌شود و نوسان‌های روحی وجود وی را فرا می‌گیرد،

ب) فردی که نسبت به قواعد اخلاق سرکشی و تعدی می‌کند به گونه‌ای رفتار می‌کند که گویی خداوند حق قیومیت و سرپرستی بر بندگان را ندارد و اصولی را که خود براساس آن رفتار می‌کند

افراد و بهداشت روانی جامعه را بالا می‌برد.

۲-۳. افزایش استحکام بنیان خانه و خانواده: از نظر اسلام محدودیت کامیابی‌های جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع، سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می‌گردد؛ اما آزادی روابط جنسی باعث پیدایش رقیب جنسی جدید برای مردان و زنان خواهد شد و این باعث رواج و گسترش روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده، کثرت‌گرایی و تنوع‌طلبی جنسی و از بین رفتن استحکام بنیان خانواده می‌شود.

۲-۴. افزایش کارایی اجتماعی و میرا شدن جامعه از تحریکات جنسی: با توجه اینکه حجاب به عنوان جلوه‌ای از عفاف، به صورت زندانی کردن زن و محروم ساختن او از فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیست؛ بلکه حاکی از پوشش بدن به استثنای وجه و کفین در زنان است که این نوع پوشش مانع هیچ‌گونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست و تباه کردن توانایی‌ها و استعداد‌های زنان را به همراه ندارد. بلکه از این طریق یک محیط اجتماعی به دور از تحریکات جنسی و لذت‌جویی‌های شهوانی به وجود خواهد آمد، که در آن زنان با حفظ کرامت الهی و شخصیت انسانی به فعالیت‌های مثبت و سازنده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و خواهند پرداخت (مطهری، ۱۳۵۳).

۲-۵. رشد عشق‌های پاک: عفت و پاکدامنی، حجاب و پوشش، خویش‌داری و دور از دسترس بودن زن عامل مهمی در پیدایش عشق‌های سوزان و عمیق است؛ در جوامعی که آزادی روابط بین زن و مرد محدود است؛ زمینه برای رشد عشق‌های پاک و در نتیجه خلق آثار هنری، ذوقی و اجتماعی فراهم می‌شود؛ اما محیط‌های آزاد مانع پیدایش چنین عشق‌هایی است، در این‌گونه محیط‌ها زن به حالت ابتذال در می‌آید و فقط ابزاری است برای پیدایش هوس‌های آنی و موقتی (مطهری، ۱۳۶۸) و حتی تجلی عشق در چنین شرایطی دوام چندانی نخواهد داشت و از ماهیت حقیقی خود که مبتنی بر مودت و رحمتی پایدار است تهی خواهد شد و منجر به غیر عاطفی شدن عشق‌ها و نفی شدن آنها از عشق و محبت حقیقی خواهد گردید؛ کانت در این باره می‌گوید: «عشق جنسی، معشوق را تنها به چشم یک شیء اشتهاآور می‌نگرد؛ به محض آنکه معشوق در اختیار گرفته

شد و آن رغبت آرام گردید، دیگر دور انداخته می‌شود: مانند دورانداختن لیمویی که کاملاً مکیده شده باشد. کانت معتقد است رابطه جنسی به تنهایی و بدون عشق تحقیر طبیعت انسانی است» (شیلت، ترجمه مدنی، ۱۳۸۴: ۳۵).

۲-۶. متجلی شدن ارزش‌های عالی انسانی و اخلاقی: احترام به نوامیس دیگران و عدم تجاوز به حقوق آنها و رعایت حریم خانواده‌ها، همچنین غیرت و تعصب به نوامیس خود همه از ارزش‌هایی هستند که در صورت نهادینه شدن عفاف و حجاب در زنان و غیرت و تعهد در مردان در محیط اجتماعی متجلی خواهد شد. از سوی دیگر با تشکیل خانواده، ارزش‌های عالی انسانی چون مودت، رحمت و مهربانی و آرامش، چنانکه در سوره روم آیه ۲۱ آمد است: ((وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ)) و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند و تعاون، همکاری، از خود گذشتگی و ایثار بین زن و مرد، پوشاندن عیوب یکدیگر همچنانکه در سوره بقره آیه ۱۸۷ آمده است: ((... هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لِهِنَّ، ...)) آنها لباس شما هستند؛ و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید) و تجربه پدر بودن و مادر بودن، تجربه تربیت یک انسان صالح، رعایت مصالح خانوادگی متجلی خواهد شد.

۲-۷. شکوفایی استعداد‌های فطری و طبیعی: اخلاق جنسی اسلامی بی‌نهی و طرد اخلاق جنسی کهن که مبتنی بر طرد و تحقیر غریزه جنسی و ترویج رهبانیت و مبارزه با یک نیاز طبیعی و غریزی انسان به نام رسیدن به حقیقت، که نتیجه آن کشمکش و تعارض درونی، از بین رفتن اعتدال و سلامت روحی و روانی فرد و صرف نیروها و استعداد‌های فطری و طبیعی فرد به مبارزه با یک نیاز زیستی و طبیعی بود، به مبارزه برخاست و از سوی دیگر با طرد اخلاق جنسی نوین که مبتنی بر آزادی روابط جنسی بین زن و مرد بود، به مخالفت پرداخته و بر ارضای غریزه جنسی در چارچوب خانواده و ارزش‌های اخلاقی، با رعایت اعتدال در ارضای غریزه جنسی تأکید می‌کند. بنابراین اخلاق جنسی اسلامی با رعایت اعتدال در ارضای

اوست، و راستگویی او به میزان جوانمردی‌اش و شجاعت او به قدر عزتی است که احساس می‌کند، و پاکدامنی او به اندازه غیرت اوست» (همان: ۶۳۵).

اما آنچه در مورد غیرت‌ورزی باید مورد توجه قرار گیرد میان‌روی در غیرت‌ورزی و همیت است؛ به این معنا اگر چه مرد در برابر خانواده خود مسئولیت دارد و باید تلاش کند خانواده را به‌نحوی مدیریت کند که اعضای آن به فساد و انحراف کشیده نشوند و این اقتضای غیرت و عین غیرت‌ورزی است؛ اما به این معنا نیست که به علت خطایی که از فرزندان سر می‌زند، به نام غیرت، خشونت به خرج دهند و رفتاری هیجانی نسبت به مسائلی که برای اعضاء خانواده به‌ویژه فرزندان در حیطه جنسی رخ می‌دهد، داشته باشند؛ یعنی به این صورت نباشد که به نام غیرت‌ورزی به ضرب و شتم فرزندان بپردازد و باعث فرار آنها از خانه شود و مشکلات عمیق‌تری را برای آنها به‌وجود آورند.

همچنانکه امام علی (ع) در نامه ۳۱ آمده است: «پرهیز از غیرت نشان دادن بیجا که درستکار را به بیمار دلی و پاکدامن را به بدگمانی رساند» (همان: ۵۳۷). در اینجا اقتضای غیرت‌ورزی این است که نسبت به آنچه اتفاق افتاده بی‌تفاوت و بی‌توجه نباشد و در برابر آنها احساس مسئولیت کند و به دنبال دلایل و ریشه‌هایی که باعث به‌وجود آمدن مشکل شده‌اند بگردد، و در این زمینه به متخصصین به‌ویژه کلینیک‌های مشاوره خانواده مراجعه کند تا از کسانی به صورت علمی و تخصصی با این مسائل برخورد می‌کنند، مشاوره بگیرد. از سوی دیگر به‌نحوی نباشد که فرد نسبت به اعمال فرزندان خود بی‌تفاوت باشد و بر آنها نظارت نداشته باشد و نسبت به آنها احساس مسئولیت نکند که اگر چنین حالتی اتفاق بیافتد به نحوی مرد دچار بی‌غیرتی شده است و بر اثر این حالت ارزش و احترام خود را در خانه از دست خواهد داد. در اهمیت غیرت‌ورزی و همچنین مزمت بی‌غیرتی پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «کان ابی ابراهیم غیوراً و انا غیر منه و ارغم الله انف من لایغار من المؤمنین، پدرم ابراهیم (ع) غیور بود و من از او غیرتمندترم و خداوند بینی مردی از مؤمنان که غیرت ندارد به خاک بمالد» (حسینی، ۱۳۸۳: ۴۵).

۴. دعوت و تشویق افراد به ازدواج

ازدواج به عنوان یک امر ارزشی که دارای جایگاه اساسی در

غریزه جنسی و سایر ابعاد وجودی آدمی، جایگاه هر چیزی را در نظام اخلاقی خود مشخص می‌کند؛ به عبارت دیگر با پرهیز از قرار دادن غریزه جنسی به عنوان یک هدف و آرمان برای زندگی افراد و دعوت به سایر ارزش‌های اخلاقی و شکوفایی سایر ابعاد وجودی انسان زمینه شکوفایی استعدادهای آدمی را فراهم می‌کند.

۸-۲. ارتباط سالم میان افراد جنس مخالف و افراد هم‌جنس: در اخلاق جنسی اسلامی با توصیه زنان به عفت و پاکدامنی، حجاب و پوشش و توصیه مردان به غیرت و تعهد نسبت به زن، فرزند، خانواده و دعوت به تشکیل زندگی زناشویی در ایجاد بستر مناسب برای ایجاد روابط سالم بین افراد هم‌جنس و غیرهم‌جنس تلاش می‌شود. از سوی دیگر اعتقاد به خداوندی که ناظر بر انسان است و همچنین احساس حضور در محضر خدا در فرد و اعتقاد به جهان آخرت، رعایت ارزش‌های اخلاقی در ارتباطات رسمی و غیررسمی و در نتیجه روابط سالم بین دو جنس را تضمین می‌کند.

۳. تعهد زناشویی

غیرت یکی از ویژگی‌های اخلاقی مردان است که نقش مهمی در حفظ و حراست از کبان خانواده دارد. انسان با غیرت از اقدام به عملی که بنیان خانواده خود یا دیگری را متزلزل کند پرهیز می‌کند. انسان غیور همچنان که برای حریم شخصی خود احترام قائل است و از ورود و دخالت دیگران در این حریم ممانعت به عمل می‌آورد، برای حریم شخصی دیگران نیز احترام قائل است و از ورود به حریم شخصی دیگران پرهیز می‌کند.

انسان غیور امیال و خواسته‌های نفسانی خود به‌ویژه در حیطه جنسی را کنترل می‌کند و آن را به چارچوب خانواده خود می‌کشانند و هیچ‌کس اجازه نمی‌دهد که حرمت ناموسی او را بشکنند. در چنین حالتی وقتی کسی که برای ناموس خود حرمت قائل است به خود اجازه نمی‌دهد که به ناموس دیگران تجاوز کند؛ امام علی (ع) در این باره در حکمت ۳۰۵ می‌فرماید: «مَا زَنَى غَيُورٌ قَطُّ غَيْرَ تَمَنِّدٍ هَرَّزْنَ زَنَانِي كُنْدَ» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۸۴: ۷۰۳). همچنین در حکمت ۴۷ بیان می‌دارد: «قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ وَ صِدْقُهُ عَلَى قَدْرِ مُرُوءَتِهِ وَ شَجَاعَتُهُ عَلَى قَدْرِ أَنْفَتِهِ وَ عِفَّتُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ» ارزش مرد به اندازه همت

شما آمد که از اخلاق و دینش راضی هستید او را تزویج نمایید؛ اگر چنین نکنید در زمین فتنه و فساد بزرگ واقع خواهد شد. اذا جاءكم من ترضونه خلقه و دینه تزوجو هو الا تفعلوه تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر (النوری الطبرسی، ۱۴۰۷ ه.ق، ج ۱۵۲: ۱۴). به همین دلیل است پیامبر اکرم (ص) بر ازدواج و نفی تجرد برای رعایت ارزش‌های اخلاق جنسی تأکید می‌ورزند و در این رابطه بیان می‌دارند: «من سنتی التزویج فمن رغب من سنتی فلیس منی» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ ه.ق: ۲۲۰). ازدواج سنت و روش پسندیده من است. پس هر کسی که از سنت من روی گردان باشد، از من نیست. یا «ازدواج بهترین وسیله برای حفظ و فروهشتن نگاه شهوانی، عفت جنسی، پاک دامنی و شرافت انسانی است» (پورامینی، ۱۳۸۴: ۱۷۱) همچنین بیان می‌دارد «من احب یلقی الله طاهراً مطهراً فلیلقه بزوجه» (الحرالعاملی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۱۴: ۶). هر کس دوست دارد خداوند را با قلب مطهر و پاک ملاقات کند ازدواج کند. در عین حال در راستای حفظ ارزش‌های اخلاقی تجرد را پلید می‌شمرد و «بدترین مردم را عزب‌ها و مجردانی می‌دانست که توان ازدواج دارند؛ اما به آن روی نمی‌آورند» (پورامینی، ۱۳۸۴: ۱۷۲).

بنابراین ازدواج در اسلام به عنوان یک امر مقدس و عبادت کم‌نظیر و در برخی موارد به عنوان یک واجب شرعی به حساب آمده است و به عنوان محبوب‌ترین و عزیزترین پایه اسلام در نزد خداوند معرفی شده است؛ پیامبر گرامی اسلام در باب ارزش و اهمیت ازدواج سخنان متعددی بیان کرده‌اند که به بیان آن می‌پردازیم: من تزوج فقد احرز نصف دینه فلیتق الله فی النصف الاخر کسی که ازدواج کند نصف دین خود را کامل کرده است و در نصف دیگر نیز به خدا توکل کند (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۱۲۹: ۱۰۳) خیار امتی المتأهلون و شرار امتی العزاب: بهترین امت من کسانی هستند که ازدواج نموده‌اند و برای خود همسر برگزیده‌اند، و بدترین آنان کسانی هستند که از زناشویی سرباز زده‌اند و با عزوبت به سر می‌برند (النوری الطبرسی، ج ۱۴، ص ۱۵۶)؛ ان یکون علی فطرتی فلبستن بسنتی، فان من سنتی النکاح کسی که به فطرت من علاقه دارد، البته باید از سنت من پیروی کند و در راه من قدم بردارد و یکی از سنن من ازدواج و آمیزش با زنان است (همان: ۱۴۹).

اخلاق جنسی است. ازدواج به عنوان یک سنت دیرپای حسنه است که عبارت است از: «کنش متقابل بین دو فرد، یک مرد و یک زن، که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته‌اند و به طور کلی، عمل آنان مورد پذیرش قانون قرار گرفته و به آن ازدواج اطلاق شده است» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۳).

طبق این تعریف ازدواج پیوندی آشکار و رسمی، براساس هنجارها و ارزش‌های جامعه بین دو جنس مخالف است که به بلوغ جنسی، عقلی، عاطفی، اجتماعی و اقتصادی نسبی دست یافته‌اند. ازدواج در کلام الهی، به وجودآورنده مطمئن‌ترین و آرام‌بخش‌ترین رابطه‌ها و آغازگر زندگی همراه با طراوت، مودت و ایثار است. از آیات و نشانه‌های قدرت خداوند این است که برای انسان از نوع خود، همسرانی آفرید تا در کنار آنان، به آرامش و سکون نائل آیند و بین آنان دوستی و رحمت قرار داد همچنان که در سوره روم آیه ۲۱ آمده است: ((وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُتَفَكَّرُونَ)) منشأ گرایش مرد به زن و آرمیدن مرد در سایه انس به زن مودت و رحمتی است که خداوند بین آنها برقرار کرده و این مودت الهی و رحمت خدایی غیر از گرایش غریزی نر به ماده است که در حیوانات هم وجود دارد؛ و از این رهگذر است که زن محبوب رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) واقع شده است، همچنان که می‌فرماید: من از دنیای شما، سه چیز را دوست دارم: زن، بوی خوش و نور چشم من در نماز است. «حُبِّبَ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا ثَلَاثٌ: النِّسَاءُ، وَ الطَّيِّبُ، وَ قَرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۷۳: ۱۴۱) چیزی که مایه سکون است همان مودت و رحمت الهی است که جاذبه‌های معنوی بین زن و مرد ایجاد می‌کند و گرنه شهوات نمی‌تواند نشانه‌ای از نشانه‌های خدا باشد و موجب آرامش گردد.

از بعد ارزش‌شناسی جنسی نیز می‌توان گفت که ازدواج به عنوان یک امر مقدس و به عنوان یکی از اساسی‌ترین راهکارهای ارضای غریزه جنسی می‌تواند در رأس ارزش‌ها قرار گیرد؛ زیرا عفت، پاکدامنی، خویشتنداری، به‌طور کلی سلامت جنسی جز در بستر ازدواج مناسب و صحیح امکان‌پذیر نیست. همچنان که پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌گوید: اگر کسی برای خواستگاری دختر



نباشد که تهییج‌آور باشد. یعنی شهوات یکدیگر را تحریک کنند. در این رابطه خداوند در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور می‌فرماید: ((قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ)) به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است))

((وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)) و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار ن سازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیششان، یا بردگانشان [=کنیزانشان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود (صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد) و همگی بسوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید) آیات بیان شده لزوم ستر عورت و پوشش را مورد تأکید قرار می‌دهد که در این میان ستر عورت بر مرد و زن هر دو واجب است غیر از زن و شوهر که نسبت به عورات یکدیگر محرم هستند. دیگر هیچ کس نسبت به عورت دیگری محرم نیست. پدر و مادر نسبت به پسر و دختر خودشان و برادرها نسبت به یکدیگر و خواهرها نسبت به یکدیگر محرم نیستند. واجب است پوشاندن عورت و حرام است نظر کردن به عورت غیر. این از مسلمات دین اسلام است. فلسفه این مطلب این است که اسلام نمی‌خواهد در مردم بیش از آن اندازه که طبیعت از ارضای غریزه

از سوی دیگر ازدواج در اسلام آنقدر مهم شمرده شده که در مواردی لازم است حاکم اسلامی مقدمات ازدواج افرادی را که نیاز جنسی آنان را به گناه می‌کشاند فراهم آورد، حضرت علی (ع) با توجه به این مسئله در خطبه ۱۲۷ به کار پیامبر استناد می‌کند و می‌فرماید: «حَقِيقَةً شَمَا مِی دَانِیْدُ کِه رَسُوْلُ خُدَا (ص) شَخْصِ زَنَاکَاْر رَا کِه هَمْسَر دَاشْت سَنَگَسَاْر نَمُوْد پَس بِر اُو نَمَاز گَسَاْر د و بَا زَمَا نَد گَا نَش اَز اُو اَرْث بَر دَنْد و زَنَاکَاْر بَدُو ن هَمْسَر رَا تَا زِیَا نِه زِد سِیَس سِهْم اُو رَا اَز غَنَا یْم دَا د و زَن مُسْلِمَا ن رَا بِه نَکَا ح اُو دَر اُوْر د (نهج البلاغه، ترجمه دشتی: ۲۴۱).

غزالی (۵۰۵-۴۵۰ ه. ق) نیز در این رابطه بیان می‌دارد که خداوند غریزه جنسی را آفریده است تا انسان را به سوی ازدواج آورد و هدف از ازدواج بقای نسل آدمی همچنان که در سوره نحل آیه ۷۲ آمده است: افتادن در طریق شریعت و عبادت خدای تعالی است. همچنان در سوره ذاریات آیه ۵۶ آمده است: ((وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)). بنابراین ازدواج باید به نیت فرزند باشد که همین، خواست خداست و فضیلت دارد بر همین عمل به خاطر دفع شهوت.

غزالی یکی از فواید ازدواج را این می‌داند که انسان دین خود را محافظت می‌کند. از پیامبر (ص) بیان می‌کند: «هر که نکاح کرد یک نیمه دین خویش را در حصار کرد و هر که نکاح نکند غالب آن بود که چشم از نظر و دل از وسوسه نگاه نتواند داشت، اگرچه فرج نگه دارد» (غزالی، ج ۱، ۱۳۶۱: ۳۰۴).

۵. کنترل جنسی

کنترل جنسی از طریق عفت و پاکدامنی امکان‌پذیر است. عفت و پاکدامنی عمومی به دلیل سالم‌سازی عرصه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی به عنوان یکی از برترین خصلت‌ها بشمار آمده است. با توجه به اینکه صرف ازدواج باعث نمی‌شود که افراد به سایر افراد دیگر رغبت و تمایل نداشته باشند، بنابراین کنترل جنسی در همه شرایط لازم است؛ زیرا ازدواج شرط لازم است و شرط کافی نیست، به خصوص اگر در شرایطی که زن خودش را در یک وضع مهیجی قرار دهد. این است که اسلام در معاشرت‌های زن و مرد یک حدود و قیودی قائل است و این حدود و قیود را فقط و فقط برای این وضع کرده است که ارتباط زن و مرد به شکلی

حجب و حیا را بین نوجوانان و جوانان نهادینه کند؛ بنابراین می‌تواند به عنوان راه‌کاری برای کسب عفاف مورد توجه واقع شود.

براین اساس در اسلام تعهد انسان نسبت به تربیت فرزند خیلی مهم است، عمل تربیت در اسلام قبل از اینکه نطفه در رحم مادر جای گیرد، از طریق انتخاب زنی صالح و شایسته به صورت مشروع آغاز می‌شود و به این طریق زنی شایسته را به عنوان مادر برای کودک بر می‌گزینیم، مادری که از او در طول حیات از هجوم امراض حراست کند و معلم و دوست او باشد تا به لطف الهی کودک انسان کاملی شود.

در این میان تربیت جنسی در اسلام، جزئی از تربیت عمومی کودک است. اسلام به همه زمینه‌های رشد شخصیتی کودک عنایت دارد. اسلام به پرورش و رشد همه زمینه‌های عقلی روحی، عاطفی، اجتماعی و جنسی کودک و هر آنچه که به پرورش انسانی صالح می‌انجامد توجه دارد.

مفهوم تربیت جنسی

مقصود از تربیت جنسی دادن آگاهی درست در مورد مسائل جنسی به کودکان است، زیرا آنها در آینده با آن روبرو خواهند شد و هدف از این آگاهی این است که کودکان برداشته‌های درستی از مسائل و رفتار جنسی داشته باشند. عبدالله ناصح علوان در این باره می‌گوید: «تربیت جنسی عبارت است از: آموزش و آگاه کردن فرزند از زمانی که او قضایایی را که متعلق به امور جنسی، ازدواج و غیره را می‌فهمد، تا هنگامی که به دوران جوانی رسید، حلال و حرام الهی را بشناسد و اخلاق جنسی اسلامی جزء ویژگی شخصیتی بارز او شود و خود را به آن عادت دهد، در این حالت فرزند دیگر به دنبال شهوت و مفساد اخلاقی نمی‌رود و در راه حلال به بیراهه نخواهد رفت» (ناصر علوان، ۱۴۱۴ هـ-ق: ۷).

بنابراین به‌طور کلی تربیت جنسی از نگاه اسلام، آشنا کردن فرد با هنجارهای شرعی است، آن‌شنایی که راه پاکدامنی و برخورد مشروع و معقول با شهوت جنسی را نشان می‌دهد. در فرایند تربیت جنسی اسلامی، مربی، کودک را آموزش نظری و عملی می‌دهد. در آموزش نظری، از مفاهیم جنسی و هنجارهای شرعی و احکام الهی آن سخن می‌گوید و در آموزش عملی چگونگی طهارت، غسل جنابت، استبراء و ... را آموزش می‌دهد

جنسی اقتضاء می‌کند، موجبات اشتغال ذهن و تهییج شهوت را فراهم کند. در اسلام فکر انسان، مغز انسان، قلب انسان، اندیشه انسان، مقدس‌تر و منزّه‌تر از این است که درباره این نوع مسائل بیاندهد و ضرورتی ندارد که در این باره بیاندهد و برای همین کار اسلام دستور به ستر عورت داده است و نتیجه اینکه ذهن و فکر اتباع خودش را همیشه پاک و عالی و برتر از این نگه داشته که در این باره بیاندهد. زن زینت خود را نباید ظاهر کند، مگر در دو مورد؛ یک مورد زمانی است که بعضی از زینت‌ها به تعبیر قرآن زینت ظاهر است و استثنای دوم در مورد افراد است. یعنی زن می‌تواند حتی زینت غیر ظاهر را برای پدران، پسران، برادرزادگان، خواهر زادگان، فرزندان شوهر آشکار کند.

علت پوشش زن این است که زن و مرد نسبت به یکدیگر احساسات مشابه ندارند و از نظر وضع خلقت هم وضع غیرمتشابهی دارند، یعنی این زن است که مورد تهاجم چشم و اعضاء و جوارح دست و همه بدن مرد است نه مرد مورد تهاجم زن. به طور کلی جنس نر و ماده در عالم این‌طورند، اختصاص به زن و مرد انسان ندارد. جنس نر در خلقت، «گیرنده» خلق شده است و جنس ماده به عنوان موجودی که مورد تهاجم جنس نر قرار می‌گیرد و به همین دلیل است که در انسان هم جنس نر است که باید برود و دختر را خواستگاری کند و این حالت امری بسیار عادی طبیعی و فطری است.

بنابراین وضع زن با مرد در اصل خلقت متفاوت است و به همین دلیل این زن است که خودآرایی می‌کند برای جلب مرد؛ مرد هرگز با خودآرایی نمی‌تواند نظر زن را به‌خود جلب کند. زن و زیور، زن و آرایش دو موجود توأم با یکدیگرند. زن موجودی است ظریف و لطیف. البته در هر جنسی جنس ماده همیشه ظریف‌تر، مظهر جمال، زیبایی و آرایش است و وقتی می‌خواهند فتنه ایجاد نشود به آنکه مظهر جمال است باید بگویند خود را نشان ندهد نه به آنکه مظهر خشونت و قدرت است، و به آنکه جلب نظر می‌کند، نه آنکه جلب نظری ندارد، می‌گویند اسباب غوایت و گمراهی فراهم نکند (مطهری، ۱۳۶۹).

۶. تربیت جنسی

تربیت جنسی راهکاری است که می‌تواند عفت و پاکدامنی،



۸. تأکید بر نقش و اهمیت خانواده

خانواده واحد اجتماعی است که براساس پیوند زوجین پدید می‌آید و این پیوند یک پیوند ساده جنسی نیست؛ بلکه پیوندی است که مهمترین و پیچیده‌ترین روابط روانی و معنوی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در آن تجلی می‌یابد. به دلیل ماهیت چنین پیوندی است که خانواده به عنوان عامل رشد و تعالی روحی و روانی فرزندان و اعضای خود محسوب می‌گردد و در فرهنگ اسلامی نیز خانواده واحد اصلی جامعه است و به‌عنوان سیستم کوچک اجتماعی که زیربنای جامعه بزرگتری را فراهم می‌کند و منشأ سعادت و شقاوت انسان از طریق ایفای نقش تربیتی در جریان رشد فردی است.

در اهمیت خانواده همین بس که انسان را گریزی از خانواده نیست، ما در خانه متولد می‌شویم و بیشتر اوقاتمان را در آنجا سپری می‌کنیم، زمانی با عنوان فرزند و زمانی دیگر با عنوان همسر و سرپرست خانواده؛ خانواده بستر رشد و شکوفایی ما در تمام طول زندگی است. در این رابطه تحقیقات نشان می‌دهد که «اغلب مردم جهان زندگی خانوادگی را مهمترین جنبه زندگی خود می‌دانند؛ و رویدادهای خانوادگی تا حد زیادی مهم‌ترین جنبه زندگی مردم شمرده می‌شود. در این رابطه گزارش کمیسیون اروپا نشان می‌دهد که ۹۶ درصد مردم اتحادیه اروپا زندگی خانوادگی را ارزشمندترین، جنبه زندگی خود می‌دانند» (برناردز، ۱۳۸۴). بنابراین همه افراد انسانی به نحوی تحت تأثیر فضای عاطفی، روانی، ارتباطی و عملکرد تک‌تک اعضای خانواده و موقعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن قرار دارند.

در این میان تأثیر خانواده بر فرزندان به نحوی است که هر فردی آنچه را از خانواده اصلی خود اخذ کرده است با خود به هر نهادی و مکانی که وارد شود می‌برد؛ به عبارت دیگر فرد نمی‌تواند خود را از تمام آنچه که از خانواده کسب کرده، رهایی بخشد. به دلیل همین تأثیر غیرقابل انکار و پایدار خانواده بر روی فرزندان است که خانواده با اینکه در میان نهادهای جامعه از نظر اندازه کوچکترین نهاد است؛ ولی از نظر اعتبار و اثربخشی والاترین، مهمترین و عظیم‌ترین نهاد اجتماعی است و به کانون اصلی انتقال ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، دینی و اخلاقی و بستری که هویت فرهنگی، دینی و ملی و سلامت روانی در آن شکل

و از آغاز کودکی دوم بستر و اتاق خواب کودکان را از یکدیگر جدا می‌کنند و خود در عمل از هرگونه رفتاری که باعث به‌وجود آمدن فضایی جنسی، که مخل شخصیت اخلاقی و جنسی کودک باشد، پرهیز می‌کند و کودک را از رفتاری که به تحریک احساس جنسی او بپردازد باز می‌دارد. در تربیت جنسی، به حکم نص عام و شریف (کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة) همه در تربیت نسل اسلامی که آراسته به عفت و پاکدامنی است و به دور از انحرافات جنسی باشد، اعم از خانواده، مدرسه؛ رسانه‌های گروهی؛ جامعه و... مسئولند (مدن، ۱۴۱۶ ه.ق، صص ۹۸-۹۵). بنابراین محور تربیت جنسی مبتنی بر احکام الهی است و ماهیتی معنوی و عبادی دارد و امری پویا و مستمر است؛ زیرا هر فردی در هر دوره از زندگی خود با غریزه جنسی مشکلاتی را تجربه خواهد کرد و به هیچ‌وجه بی‌نیاز از تربیت جنسی و ارائه اطلاعات در این زمینه نخواهد بود.

۹. تعیین و تقویت جایگاه زن در اسلام

در اسلام زنا هم برای مرد و هم برای زن ممنوع است و در صورت ارتکاب به این عمل هر دو آنها مجازات می‌شوند، اگر مجرد باشند به صد تازیانه باید مجازات شوند، همچنان که در سوره نور آیه ۲ آمده است: الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ... و اگر متأهل باشند علاوه بر این مجازات حکم سنگسار نیز شامل آنها می‌شود. البته نظر اسلام این است که زنا به آسانی ثابت نشود و همچنین برای جلوگیری از تهمت زدن به زنان با عفت در رابطه با اثبات زنا چهار شاهد عادل خواسته است، یعنی اگر سه شاهد عادل داشته باشیم که چنین عملی را دیده باشند حق ندارند آن را بازگو کنند، چون توانایی اثبات آن را ندارند و در صورت اظهار آن به هشتاد تازیانه، محرومیت‌های اجتماعی همچون عدم قبول شهادت و فاسق خواندن آنها مجازات می‌شوند و حتی بعد از توبه نیز این مجازات‌ها و محرومیت‌ها از بین نمی‌رود، همچنانکه در سوره نور آیه ۴ بیان شده است: وَالَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ بنابراین از نظر اسلام اگر هزار زنا صورت بگیرد و مخفی بماند آسان‌تر است از اینکه زن عیفی که زنا نکرده مورد اتهام قرار گیرد (مطهری، ۱۳۶۹).



می‌گیرد، تبدیل شده است.

در متون اسلامی نیز بر اهمیت خانواده در تربیت فرزندان اشاره شده است. در این زمینه نقش خانواده به حدی است که می‌تواند سرشت و فطرت پاک کودک را که بر مبنای خداپرستی، درستی و راستی، عشق به انسان و همنوع، خیر و عدالت، نور و تقواست را به انحراف به کشاند. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: «کل مولود یولد علی الفطره حتی یکون ابواه هما اللذان یهودانه و ینصرانه و یمجسانه» هر بچه‌ای از مادر بر فطرت پاک اسلامیت متولد می‌شود بعد پدر و مادر او را یهودی یا نصرانی یا مجوسی می‌کنند» (دژکام، ۱۳۷۵: ۲۲۶).

بنابراین نهاد خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی می‌تواند در انحراف فرزندان مؤثر باشد. طبق تحقیقات و بررسی‌های انجام شده ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر خانواده بر تک‌تک افراد آن تأثیر قطعی دارد. خانواده‌هایی که دارای ساختار از هم گسیخته هستند یعنی خانواده‌هایی که در اثر طلاق یا جدایی والدین از یکدیگر یا اختلاف بین آنها دچار هرج و مرج و از هم پاشیدگی شده و روابط منظم و منسجمی بین اعضای خانواده برقرار نمی‌باشد، فرزندان بزهکاری تحویل جامعه می‌دهند، یعنی بین ۴۲ تا ۵۸ درصد بزهکاران متعلق به خانواده‌های از هم پاشیده است) شفیع‌زاده، ۱۳۷۳. (پس با بنیان نهادن خانواده‌های سالم و حل مشکلات خانواده به صورتی معقول و با همکاری اعضای خانواده و فراهم کردن بستری مناسب و عاطفی می‌توان فرزندی عفیف و پاک تحویل جامعه داد؛ اما خانواده چگونه به نهادینه کردن عفاف و حجاب اقدام می‌کند. خانواده تقریباً از دو طریق زیر می‌تواند به نهادینه کردن حجاب و عفاف در فرزندان خود بپردازد.

۱. انتقال ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی: فرهنگ شناسنامه و هویت افراد یک جامعه است به وسیله فرهنگ است که انسان‌ها احساس هویت و تعلق خاطر به اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند را به دست می‌آورند. الیوت^۱ در تعریف فرهنگ بیان می‌دارد: فرهنگ امری است که به زندگی ارزش حیاتی می‌بخشد (الیوت، ترجمه حمید شاهرخ، ۲۷: ۱۳۸۱).

با توجه به این که فرهنگ ذاتی انسان نیست و انسان اساساً

فرهنگ زاده نمی‌شود و انسان در بدو تولد جز یکسری توانایی‌ها و استعداددهای بالقوه چیزی ندارد، بنابراین لازم است ارزش‌های اجتماعی به نسل جدید انتقال داده شود چون ممکن است بر اثر غفلت از میان برود. بر این اساس نقش خانواده در نهادینه کردن ارزش‌های دینی و اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی مطلوب و معقول همچون حجاب و عفاف غیرقابل انکار است. بنابراین محیط خانواده، نحوه تعامل پدر و مادر و فرزندان با یکدیگر، انتخاب محصولات فرهنگی که خانواده از آن استفاده می‌کند، مانند فیلم، مجله، پوستر و غیره، طبقه اجتماعی که در آن قرار دارند، علاقه آنها به امور مذهبی و شرکت در مراسم مذهبی، هماهنگ‌سازی کودکان با والدین به عنوان الگوی رفتاری، تصویری که والدین از فرزندان در ذهن دارند که بیانگر ایدئال ذهنی آنان است، همگی در انتقال ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی به نوجوانان و جوان مؤثر است. برای اینکه والدین در انتقال ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی موفق شوند باید انسان کامل جامعه را که ریشه در منابع غنی فرهنگی چون مذهب و ادبیات دارد به جوانان بشناساند و خود نیز به ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی پایبند باشند. مسئله دیگر اینکه خانواده امروزی برخلاف خانواده‌های گذشته یک خانواده بسته نیست؛ بلکه کاملاً باز است یعنی با محیط پیرامون خود در ارتباط است و رسانه‌های صوتی و تصویری، اینترنت و غیره خانواده را با پیام‌های ارزشی و ضد ارزشی متناقض درگیر می‌کند. بنابراین لازم است تفکر انتقادی در کانون خانواده نهادینه شود و معیارها و نرم‌های لازم را برای بررسی پیام‌ها و رفتارهای ارزشمند و غیر ارزشمند به فرزندان خانواده آموزش داده شود یعنی به نوعی فرزندان بتوانند به ارزش‌سنجی فرهنگی بپردازند تا هر اثر فرهنگی کم‌ارزش را به نام فرهنگ برتر به خورد آنان ندهند. بر این اساس خانواده باید بتواند حجاب را برای فرزندان متناسب با سطح رشد آنها تبیین عقلانی کنند و حتی خود خانواده با کمک فرزندان خود دست به تحقیق مشارکتی در این رابطه بزنند و فرزند خود را با منابع که در این رابطه وجود دارد آشنا کنند؛ البته این امر نباید یکباره صورت گیرد و تمام شود؛ بلکه از دوره کودکی می‌تواند به‌طور جدی شروع شود و تا پایان دوره دبیرستان ادامه یابد. این امر هم

برای دختران و هم پسران ضرورت دارد.

۲. فضای عاطفی و روانی خانواده: منظور از فضای عاطفی و روانی خانواده مجموعه‌ای از ارتباطات و تبادلات روحی و روانی است که بین افراد خانواده وجود دارد و شکل خاصی از روابط را میان اعضا به وجود آورده است، الگوی رشد شخصیت فرزندان ابتدا در چارچوبی از ارتباطات با والدینش شکل می‌گیرد تا شخصیت وی به یک ثبات و قوام می‌رسد و این شخصیت کودک را در سایر دوره‌های زندگی تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما فضای عاطفی و روانی خانواده به این طریق بر شخصیت بهنجار فرزندان تأثیر می‌گذارد، والدینی که کودکان خود را طرد، تنبیه و تحقیر می‌کنند باعث می‌شوند کودکان آنان دارای تصور از خود ضعیفی شوند، یعنی برداشتی که از خود دارند مبتنی بر نقاط ضعف و کاستی‌های وجودی آنان باشد و عدم احساس ارزش و سرشار بودن است و همین تصور از خود منفی باعث کاهش احترام به خود می‌شود، در نتیجه این تصورات منفی کودک را از درآمیختن با دیگران باز می‌دارد، آنان به جای برونگرایی و مشارکت با دیگران درونگرا شده و به عالم رؤیا و تخیل پناه می‌برند؛ اما زمانی که والدین فرزندان خود را دوست دارند و نسبت به آنها محبت داشته باشند کودکان آنان دارای حرمت خود و تصور از خود قوی خواهند شد، در نتیجه گرم و صمیمی خوشحال و مطمئن و خواهان مشارکت اجتماعی و پذیرش مسئولیت می‌شوند. درباره اهمیت فضای روانی و عاطفی خانواده دورتی لاو نولت چنین می‌گوید: اگر کودک در محیط دائماً ابرادی زندگی کند، یاد می‌گیرد تحمل کند. اگر کودک در محیط خصومت زندگی کند، یاد می‌گیرد ستیزه‌جویی کند. اگر کودک در محیط تمسخر زندگی کند، یاد می‌گیرد خجول باشد. اگر کودک در محیط شرمندگی زندگی کند، یاد می‌گیرد احساس گناه کند. اگر کودک در محیط بردباری زندگی کند، یاد می‌گیرد صبور باشد. اگر کودک در محیط امیدوارکننده زندگی کند، یاد می‌گیرد اعتماد به نفس داشته باشد. اگر کودک در محیط تحسین زندگی کند، یاد می‌گیرد قدر دان باشد. اگر کودک در محیط منصفانه زندگی کند، یاد می‌گیرد عادل باشد. اگر کودک در محیط امنی زندگی کند، یاد می‌گیرد با ایمان باشد. اگر کودک در محیط توافق زندگی کند، یاد می‌گیرد خودش را دوست داشته باشد.

اگر کودک در محیط پذیرش و دوستی زندگی کند، یاد می‌گیرد همه جا عشق و صفا داشته باشد (شفیع‌زاده، ۱۳۷۳: ۸۷-۸۸). بنابراین فضای عاطفی و روانی مثبت و سازنده باعث ایجاد یک خانواده منسجم و سالم که روابط منظم و مناسبی با هم دارند و به این طریق می‌تواند بستری برای تربیت نسل جوان و شکوفایی استعدادهاى آنها فراهم کنند و افرادی اخلاقی و مثبت و سازنده را تحویل جامعه دهد. در غیر این صورت روابط از هم گسیخته اعضای خانواده باعث می‌شود فرزندان یک خانواده از طریق آزمایش و خطا اقدام به حل مشکلات خود بکنند و آسیب‌های جدی و شکننده را ببینند و به احتمال زیاد به افرادی بزهکار و ناسالم تبدیل شوند.

۹. تأکید بر نقش و اهمیت نهان آموزشی

وظیفه آموزش و پرورش افراد جامعه به عنوان امری پایه و بنیادی بر عهده نظام تعلیم و تربیت رسمی یک کشور است و این امر از اهمیتی اساسی برخوردار است. به نحوی که رسو با نظر به اهمیت عملکردهای آموزش و پرورش بیان می‌دارد که نهاد تعلیم و تربیت کشتی نجات‌دهنده بشر اجتماعی است (کوی، ۱۳۷۸: ۱۳) و کانت آن را ابزاری برای انسان نمودن انسان و صاحب‌نظران دیگر آن را عامل معنا بخش زندگی همه افراد جامعه می‌دانند (صباغیان، ۱۳۷۵: ۳۰).

اهمیت نظام آموزش و پرورش بر روری دانش‌آموزان به‌حدی است که ممکن است رفتار، خودانگاره و تصویری را که کودک در بستر خانواده کسب کرده است، به دلیل تجربه حضور در مدرسه و ورود به گروه‌های همسالان تغییر دهد یا اینکه آنها را تقویت کند. اما مدرسه به عنوان بخشی از نظام آموزش و پرورش رسمی یک کشور، چگونه نسلی محجوب و عقیف را تربیت خواهد کرد؟ در پاسخ به آن باید اشاره کرد که مدرسه دارای دو نوع برنامه درسی رسمی که شامل کتاب‌هایی است که با محتوای مشخص و برنامه درسی پنهان که شامل روابط بین شاگرد و معلم، روش‌های تدریس، محیط فیزیکی و فرهنگی مدرسه، روابط بین معلمین، نحوه اداره مدرسه، نقش دانش‌آموزان در اداره کلاس درس و مدرسه است و تربیت نسلی محجوب و عقیف در چنین بستری شکل می‌گیرد. بر این اساس به تأثیر هر یک از این دو مقوله بر

روی نهادینه کردن حجاب و عفاف می‌پردازیم:

الف) برنامه درسی رسمی: برنامه درسی رسمی ناظر بر دروس معینی است که در نظام آموزشی از آنها استفاده می‌شود که در این رابطه می‌توان به کتب درسی همچون قرآن، تعلیمات مدنی و درس دین و زندگی راجع به مفاهیم دینی و ارزش‌های الهی بحث می‌شود که این برنامه می‌تواند در صورتی که به صورت مطلوبی ارائه شود در نهادینه کردن ارزش‌های الهی و از جمله حجاب و عفاف نقش مؤثر داشته باشد یکی از روش‌های مؤثر در این زمینه بحث و گفتگوی آزاد در کلاس‌های دروس مرتبط با موضوعات دینی متناسب با آگاهی دانش‌آموزان، مسائل و مشکلات آنان در این زمینه است. بر این اساس باید زمینه‌ای فراهم شود که ارزش‌های اخلاقی از جمله بحث حجاب و عفاف به صورت بحث‌های کلاسی آزاد و با مشارکت دانش‌آموزان و هدایت و راهنمایی معلم مورد بحث و بررسی قرار گیرد و به سؤالات دانش‌آموزان پاسخ گفته شود و دانش‌آموزان در قالب گروهی به بحث و بررسی در این زمینه بپردازند. همچنین از افراد متخصص و صاحب‌نظر نیز در این رابطه دعوت به عمل آورند و نمایشگاه‌هایی در ارتباط با کتب انتشار یافته در این زمینه و زمینه‌های جانبی و مرتبط بپردازند. در ارتباط با محتوای مورد بحث و روش‌های ارائه آن در این زمینه فرم‌هایی فراهانی (۱۳۸۴) بیان می‌دارد که درباره محتوا باید به گنجاندن مطالبی درباره نظر اسلام راجع به گزینه جنسی (پاکی یا پلیدی آن)، شکوفایی یا سرکوبی گزینه جنسی، حدود آزادی‌های جنسی، روش‌های تعدیل گزینه جنسی برای نوجوانان قبل از ازدواج و شرایط و صفات همسر خوب، حدود و مرزهای ارتباط مشروع و مناسب دو جنس، نحوه پوشش، آرایش، حجاب و موازین شرعی آن، تأثیر دوست در سلامت یا سقوط اخلاق جنسی در نوجوانان، آگاهی از خطرات و مفاسد بی‌بندوباری اخلاق جنسی در حیات اجتماعی، گنجاندن مطالبی درباره اخلاق جنسی در زمینه‌های مختلف همچون عفاف و پاکدامنی، عفاف و ستر بدن از غیر محارم، غیرت ناموسی مرد و زن و حیای زن و مرد، اقدام کرد و از روش‌هایی استفاده می‌شود، همچون سخنرانی یا دعوت از متخصصین و صاحب‌نظران؛ قرار دادن کتاب درسی مستقلی بنام تربیت یا آموزش اخلاق جنسی؛ ارائه جزواتی در مقوله تربیت

جنسی؛ گنجاندن مطالبی درباره تربیت جنسی در کتاب‌های درسی موجود. درباره اینکه چه کسانی در مدرسه می‌توانند امر آموزش اخلاق جنسی را بهتر به عهده بگیرند بر نتایج زیر تأکید می‌کند ۳۸/۲۶ درصد ترجیح می‌دهند مشاورین امر تربیت و آموزش اخلاق جنسی در مدرسه را به عهده بگیرند و بعد از آن دبیران زیست با ۲۳/۷۲ درصد، دبیر دینی ۲۲/۴۵ درصد، مربی پرورشی با ۱۰/۴۶ درصد و سایر موارد (مربی بهداشت، تمام معلمان و...) با ۵/۱ مناسب‌ترین اشخاص برای تربیت و آموزش اخلاق جنسی معرفی شده‌اند.

همچنین وی به بیان مطالبی در مورد شرایط مربی و همچنین رعایت نکاتی در پاسخ به سؤالات و مسائل جنسی دانش‌آموزان می‌پردازد. از جمله شرایطی که یک مربی در مدرسه برای جوابگویی به مسائل جنسی باید دارا باشد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: شخص راهنما و مربی باید دارای سلامت عقل و قلب بوده و از تزکیه نفس و نیت پاک برخوردار باشد و با علم و آگاهی و به قصد قربت و با دلسوزی و علاقه نسبت به این امر اقدام ورزد تا در جریان آموزش، به مدد توفیقات الهی قادر به طرح موضوعات شده و دل نوجوان را به سوی پاکی و عفت سوق دهد؛ مربی باید مراقب احوال خود باشد و با توکل و یاری از خدا اقدام به آموزش جنسی کند. چه در جریان آموزش امکان دخالت وسوسه‌های شیطانی و نفسانی وجود دارد؛ مربی باید فردی پخته، خود ساخته و تقریباً مسن باشد که آموزش به بیره و ابتدال کشیده نشود؛ مربی اطلاعات کافی داشته باشد و آموزش‌های کافی یا دوره‌ای خاص در این رابطه دیده باشد. در پاسخ به سؤالات جنسی دانش‌آموزان مربیان باید موارد زیر را رعایت کنند: در جواب دادن به سؤالات جنسی، داشتن حوصله شرط اصلی است؛ پاسخ‌ها باید درست باشد و آمیخته با خرافات و اوهام نباشد؛ پاسخ‌ها باید ساده باشد، به گونه‌ای که با منطق و بیان نوجوان سازگار بوده و وی بتواند آن را بفهمد؛ پاسخ‌ها باید بدآموزی نداشته باشد؛ پاسخ‌ها باید با صراحت و با رعایت ادب داده شود؛ پاسخ‌ها اقناع‌کننده و کافی باشد، به گونه‌ای که نیاز به پاسخ تکمیلی دیگران نباشد؛ پاسخ‌ها باید متناسب با سن و درک فراگیر باشد؛ پاسخ‌ها به نحو تحریک‌کننده ارائه نشود؛ در پاسخ‌ها باید به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان توجه داشت

(فرمهبینی فراهانی، ۱۳۸۴).

ب) برنامه‌درسی پنهان: اگرچه تفکیک بین برنامه رسمی و پنهان به معنای استقلال آنها از یکدیگر نیست؛ زیرا هر دو اینها در بستر تعلیم و تربیت به ظهور می‌رسند و تفکیک آنها بیشتر ناظر بر مطالعه دقیق‌تر آنهاست. اگر ما قائل به این باشیم که برنامه‌درسی رسمی بیشتر ناظر بر رشد شناختی دانش‌آموزان و افزایش توانایی تجزیه و تحلیل در آنان است، برنامه‌درسی پنهان به عنوان امری که ناظر بر آنچه که در مدرسه می‌گذرد از روابط بین معلم و شاگرد گرفته تا فضای فیزیکی مدرسه، نحوه اداره آن، روش‌های تدریس معلمین و... بیشتر ناظر بر بعد عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان است. امری از قبیل رعایت ارزش‌های اخلاقی و پایبندی به آنها، فضای معنوی مدرسه، احترام به دیگران، اعتقاد به برابری، رعایت حقوق یکدیگر، بیان عقاید، تمایل به مشارکت در مسائل، استفاده از تفکر منطقی و انتقادی در حل مسائل، برخورداری از تحمل و صعه‌صدر، پیگیری اخبار و اطلاعات از منابع مختلف، امری است که در روابط بین معلم و شاگرد، مدیر مدرسه و سایر کارکنان و روابط بین دانش‌آموزان، نهادینه می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

بالارفتن سن ازدواج و افزایش تحریکات جنسی در سطح جامعه از یک‌سو و نیرومندی غریزه جنسی و شور و التهاب جوانی و غلیان هیجانات از سوی دیگر و همچنین عدم توانایی جوان در پیشه کردن رهبانیت، عدم استقلال اقتصادی برای تشکیل زندگی مشترک، گسترش روابط آزاد بین دختر و پسر، افزایش موانع فردی، فرهنگی و اجتماعی در زمینه ازدواج ساده و به‌موقع، گسترش تفکرات فمینیستی و ارزش‌های اخلاقی فرهنگ غربی در جامعه، تضعیف ارزش‌های اخلاقی، پایه‌های عفاف و خویش‌داری و تقوای جنسی را سست و ضعیف می‌کند و این امر مسائل و مشکلات زیادی را همچون از بین رفتن سعادت و خوشبختی و زندگی همراه با کرامت برای زنان و مردان به علت عدم رواج ازدواج مبتنی بر رحمت و مودت؛ از بین رفتن استواری و زیبایی اخلاق، بعثت گسترش فسادهای اخلاقی؛ گسترش بیماری‌های روحی و روانی، تعارضات هویتی

و تضعیف خانواده و بنیان آن، به‌وجود می‌آورد. در مواجهه با این مسائل و مشکلات می‌توان راهکارهایی از این قبیل را مورد توجه قرار داد: تبیین پیامدهای عدم رعایت عفاف و حجاب (از بین رفتن قبح امور غیراخلاق؛ تضعیف بنیان خانواده، از بین رفتن روابط سالم بین زنان و مردان...); تبیین کارکردهای عفاف و حجاب (بالا بردن ارزش زن بالا بردن بهداشت روانی افراد و جامعه افزایش استحکام بنیان خانه و خانواده افزایش کارایی اجتماعی و مبرا شدن جامعه از تحریکات جنسی رشد عشق‌های پاک متجلی شدن ارزش‌های عالی انسانی و اخلاقی شکوفایی استعدادهای فطری و طبیعی ارتباط سالم میان افراد جنس مخالف و افراد هم‌جنس); تأکید بر غیرت‌ورزی؛ دعوت و تشویق افراد به ازدواج؛ کنترل جنسی؛ تربیت جنسی؛ تعیین مجازات‌های برای اعمال منافی عفت؛ تأکید بر نقش و اهمیت خانواده و نهاد آموزشی؛ اما آنچه در نهایت می‌توان به آن اشاره کرد این است که با توجه به اینکه بلوغ جنسی خیلی زودتر از بلوغ اقتصادی به‌وقوع می‌پیوندد و با لحاظ عدم توانایی جوان در پیشه کردن رهبانیت، خانواده‌ها تلاش کنند فرزندان خود را در صورتی که به ثبات شخصیتی رسیده باشند و بدانند که فرزندشان به کسی علاقه‌مند هستند، البته با آشنایی کامل خانواده‌ها از همدیگر و مراجعه به مشاوره پیش از ازدواج در صورت تناسب بین آنها، فرزندان خود را تشویق به ازدواجی درست و مناسب کنند و به آنها زمان لازم برای رسیدن به بلوغ اقتصادی نسبی، اتمام تحصیلات و... بدهند تا با فراهم شدن شرایط، زندگی مستقلی را شروع کنند و آنها را از حمایت‌های خود محروم نکنند. بنابراین تلاش برای ازدواج به‌موقع، درست و مناسب یکی از مهم‌ترین راهکارهای تقویت حجاب و عفاف در جامعه است و این مسئولیتی همگانی و عمومی است و همه سازمان‌ها و نهادهای مردمی و دولتی باید در این جهت تلاش کنند.

منابع:

- قرآن کریم.

- ابوعلی، سینا (۱۳۱۸). رساله تدابیر المنازل. ترجمه محمد نجفی زنجانی. بی‌جا.
- افلاطون، جمهوری. (۱۳۶۸). ترجمه فواد روحانی. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- بوزمانینی، محمدباقر. (۱۳۸۴). تربیت جنسی در سیره نبوی، مجله تربیت اسلامی ویژه تربیت جنسی، سال سوم شماره ۸، صص ۱۶۵-۱۸۱.

- تی.اس.البوت. (۱۳۸۱). درباره فرهنگ، ترجمه حمید شاهرخ، نشر مرکز.
 - جان برناردز. (۱۳۸۴). درآمدی بر مطالعات خانواده. ترجمه حسین قاضیان. نشر نی، تهران.
 - حسینی، بشیر. (۱۳۸۳). اهمیت ازدواج و وظایف متقابل زن و شوهر، قم: انتشارات نسیم حیات.
 - خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۳). فرهنگ و تهاجم فرهنگی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
 - دژکام، علی. (۱۳۷۵). تفکر فلسفی غرب از منظر مرتضی مطهری، جلد اول، انتشارات مؤسسه فرهنگی اندیشه.
 - دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. (۱۳۷۷). درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، ج ۱، زیر نظر علیرضا اعرافی، تهران: انتشارات سمت.
 - رفیعی، بهروز. (۱۳۸۱). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۳، تهران: انتشارات سمت.
 - ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). دائرة المعارف علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان.
 - شفیغ‌زاده، احمد. (۱۳۷۳). زمینه‌های اجتماعی کجروی با تأکید بر تأثیر خانواده و گروه همسالان به انحرافات اجتماعی نوجوانان و جوانان شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
 - صباغیان، زهرا. (۱۳۷۵). ضرورت آموزش مداوم، فصلنامه آموزش و پرورش بزرگسالان و نوآوری، سال اول.
 - طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۶۳). تفسیرالمیزان، ج ۸، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، بی‌جا، انتشارات امیرکبیر.
 - طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۶۳). تفسیر المیزان، ج ۱۶، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، بی‌جا انتشارات امیرکبیر.
 - غزالی، ابوحامد امام محمد. (۱۳۶۱). کیمیای سعادت، جلد ۱، به کوشش حسن خدیو جم، تهران: مرکز انتشارات علمی فرهنگی.
 - غزالی، ابوحامد امام محمد. (۱۳۶۱). کیمیای سعادت، جلد ۲، به کوشش حسن خدیو جم، تهران: مرکز انتشارات علمی فرهنگی.
 - فرمیهنی فراهانی، محسن. (۱۳۸۴). بررسی محتوای مناسب برای تربیت جنسی در مدارس از دیدگاه والدین، معلمان و دانش‌آموزان، مجله تربیت اسلامی ویژه تربیت جنسی، سال سوم شماره ۸، صص ۵۳-۱۱.
 - کوی، لوتان، آموزش و پرورش: فرهنگ‌ها و جوامع، ترجمه محمدیمینی. (۱۳۷۸). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
 - مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). آشنایی با قرآن تفسیر سوره نور جلد چهارم، قم، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، قم، انتشارات صدرا.
 - مطهری، مرتضی. (۱۳۵۹). فلسفه حجاب، قم، انتشارات صدرا.
 - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۶). تفسیر نمونه، ج ۶، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
 - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۶). تفسیر نمونه، ج ۱۴، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
 - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۶). تفسیر نمونه، ج ۱۷، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
 - نراقی، احمد. (۱۳۸۴). معراج السعاده، قم: انتشارات قائم آل محمد.
 - نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی. (۱۳۸۴). قم: دفتر نشر الهادی.
- منابع تریبی**
- ابی‌الحدید. (۱۳۸۷ ه.ق). شرح نهج البلاغه الجزء التاسع عشر، بتحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی‌جا.
 - ابی‌القاسم الحسین بن محمد، معروف به الراغب اصفهانی. (۱۳۶۲). المفردات فی غریب القرآن، نشرات کتاب فروشی مرتضوی، بی‌جا.
 - الجرعاملی، محمد بن الحسین. (۱۴۰۳ ه.ق). وسایل الشیعه، الجزء العشرین، کتاب النکاح، بتصحیه عبدالرحیم الربانی شیرازی، طبع فی المطبعه الاسلامیه، تهران.
 - الجرعاملی، محمد بن الحسین. (۱۴۰۳ ه.ق). وسایل الشیعه، الجزء رابع عشر، کتاب النکاح، بتصحیه عبدالرحیم الربانی شیرازی، طبع فی المطبعه الاسلامیه، تهران.
 - مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ه.ق). بحارلأنوار، الجزء ثلاث بعد المأته، طبع فی مؤسسه الوفا، بیروت، لبنان.
 - مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ه.ق). بحارلأنوار، الجزء ثلاثه سبعین، بیروت: طبع فی مؤسسه الوفا.
 - مدن، یوسف. (۱۴۱۶). التریبه الجنسیه للاطفال و البالغین، انتشارات دار المحججه البیضاء، لبنان، بیروت.
 - ناصح علوان. عبدالله. (۱۴۱۴). مسنولیت التریبه الجنسیه من وجهه نظر الاسلام، الناشر دارالسلام للطباعه و النشر و التواریح، بیروت، لبنان.
 - النوری الطبرسی، الحاج میرزا حسین. (۱۴۰۷ ه.ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، الجزء رابع عشر تحقیق و نشر مؤسسه آل‌البیت، قم.